

ارادی و سودجویانه آن، نه تنها زندگی کنونی ما، بلکه آرزوها و زندگی نسلهای آینده نیز دچار تغییر و آسیبهای غیر قابل کنترل و بی بازگشت شده است. به دلیل افزایش جمعیت و در نتیجه توسعه شهرها و جاده‌ها و افزایش زمینهای کشاورزی و مسکونی،



احداث تأسیسات و حتی احداث مکانهای تفریحی و گردشگری - آن هم بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی - شاهد تخریب غیرقابل جبران جنگلهای با ارزش استانمان هستیم. تا آنجا که در این سالها، به دلیل صدور مجوز سالانه قطع درختان کهنسال و تنومندی همچون راش - درختانی حتی با ارتفاع نزدیک به ۴۰ متر - قطع شده و دست آورد نابودی این بخش از میراث طبیعی چند میلیون ساله، چیزی جز تبدیل آن به باغات کشاورزی، و سپس واحدهای مسکونی و ویلایی نبود. برای اثبات این ادعا کافی است نگاهی به نقشه‌های ماهواره‌ای بیاندازیم تا ببینیم که در کنار جنگلهای مرتفع و کوهپایه‌ای گیلان و مازندران - که آنان نیز از این تخریب در امان نماندند - تنها نوار بسیار باریکی از جنگلهای جلگه‌ای باقی مانده است.

آیا قطع درختان، خاکبرداری و جاده سازی در جنگلها به بهانه توسعه گردشگری، تخریب و نابودی محیط زیست محسوب نمی‌شود؟! آیا فعالیت اداره حمایت از محیط زیست، تنظیم مقرراتی بی اثر برای زمین خوارانی است که بدون مجوز در حریم رودخانه‌ها و جنگلها، هتل و ویلا می‌سازند؟! از دیگر عوامل تهدید کننده محیط زیست می‌توان به ورود مستقیم فاضلابهای صنعتی و کشاورزی به دریا اشاره کرد، همچنین آلودگی‌های ناشی از بهره برداری نفت و گاز و ورود فاضلابها از تالاب بین‌المللی انزلی به این دریا که علاوه بر بسیاری از مشکلات زیستی، سلامت آبزیان و نسل ماهیان خاویاری را نابود کرده است.

برای حمایت از محیط زیست و بها دادن به منابع طبیعی، از نسلهای گذشته تا به امروز، علاوه بر ناکارآمد بودن قوانین و اهمال مقامات و منفعت طلبان، ضعف آموزش هم وجود دارد. ریشه این بی تفاوتی در کجاست؟! چرا دستهای پشت پرده را مخفی نگه می‌داریم و در مقابلش مشتی شعار که «باید به فکر طبیعت باشیم» و «طبیعت نیاز به حمایت جدی دارد» را تکرار می‌کنیم؟

راهکار اساسی در کاهش مصرف دستمال کاغذی یا اتوماسیون اداری نیست؛ بلکه این دستان نظام سرمایه‌داری است که با وضع و اجرای قوانین برای حفظ سلطه و منافع خود طبیعت را بی‌رحمانه استثمار می‌کند. در چنین مناسباتهایی همیشه تقویمی و شعارگونه رفتار کرده و به جای وضع قوانینی درخور

حمایت از محیط زیست در حد شعار است ما نشستیم و تماشا کردیم

هستی آزاد

زباله سراوان، روزانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ تن زباله‌های بخش مرکزی گیلان یعنی شهرهایی چون رشت، شفت، ماسال، فومن، صومعه‌سرا و ۱۵ دهیاری و واحدهای صنعتی این مناطق را که روزانه ۶۰۰ تن زباله تولید می‌کنند در بر گرفته. زباله‌دان عظیمی که باعث آلودگی منابع آبی، آبهای زیرسطحی، انتشار بو، آلودگی محدوده جنگلی پیرامونش و بیماریهای ناشی از تماس جانداران با زباله‌ها، انتشار گاز متان در هوا و آلودگی آب و خاک بر اثر انتشار شیرابه زباله‌هاست. تکرار وضعیتی مشابه این در پارک جنگلی لوندویل آستارا، منجر به آسیب‌های فراوان به گونه‌های حفاظت شده و در معرض خطر انقراض جانوری در آنجا شده است.

و در خصوص احداث سد سفارود، در حالیکه ماه‌هاست کارشناسان و کنشگران محیط زیستی نسبت به تبعات منفی احداث سد سفارود هشدار داده‌اند و از طریق مراجع ذیصلاح پیگیر توقف این سد هستند و سازمان حفاظت محیط زیست نیز تا زمان تأیید گزارش ارزیابی محیط زیستی هر گونه قطع درخت و فعالیت را غیرقانونی می‌داند، گزارشات مردمی خبر از قطع درختان در ضلع شمال غربی و قسمت بالایی تونلهای انحرافی می‌دهند. نظارت سازمان حفاظت محیط زیست بر روند احداث این سد آنقدرها هم جامع و کافی نیست که همواره نیاز به همراهی و گزارشات مردمی برای پیگیری وضعیت وجود دارد. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود که اگر اداره کل حفاظت محیط زیست استان گیلان به‌طور مستمر پیگیر فعالیتهای ساخت این سد است، چرا و چگونه درختان ارزشمند جنگلهای باستانی هیرکانی که جزو گنجینه ذخایر ژنتیکی طبیعت گیلان است، اینگونه یکی پس از دیگری بر اثر طمع پیمانکار سدساز بر زمین می‌افتند؟ موارد مذکور تنها سه نمونه از بیشمار موارد تخریب محیط زیست در گیلان است که رسانه‌ای شده‌اند.

تخریب بی‌رویه جنگلها، مراتع و بخشهای مختلف طبیعت، افزایش روزافزون گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن لایه ازن و هوای جهان، گسترش فزاینده آلاینده‌های صنعتی و شهری، انباشت بیشمار و مستمر زباله‌ها و آلودگی ذخایر آبی و رودخانه‌های جاری، بهره برداریهای نادرست از منابع آبی و دریایی، تأثیر مخرب و زیانبار امواج الکترومغناطیسی، اشعه‌ها و پارازیتها بر سلامت انسان، حیات وحش و محیط زیست پیرامون آنها و... دیگر موارد قابل بررسی و مهمی است که طبیعت و محیط زیست گیلان را هدف نابودی قرار داده. و این همه نتیجه توسعه سرمایه‌دارانه‌ایست که کوچکترین ارزشی برای زندگی و محیط زیست قائل نیست. در اثر بی‌توجهی به محیط زیست و تخریب

رشد روزافزون آلودگی، تخریب محیط زیست و بروز بحرانهای پی‌درپی زیست محیطی در جهان باعث شد تا برای افزایش آگاهی مردم برای نگهداری محیط زیست و تحریک سیاستمداران به گرفتن تصمیماتی برای رویارویی با تخریب محیط زیست و گونه‌های زیستی‌جانوری، ۵ ژوئن از سوی سازمان ملل به‌عنوان روز محیط زیست نامگذاری شود.

محیط زیست شامل قسمتی از فضای کره زمین که به دست بشر ساخته نشده، مانند کوه، جنگل، دریا، خاک، آب و هوا، و همچنین همه موجودات و گونه‌های جانداران است. تمامی آلودگی‌ها، تخریب و دستبرد به طبیعت، جزو فعالیتهای انسانی مخمل محیط زیست محسوب می‌شوند. امروز در گیلان به هر سو که بنگریم، حاشیه جاده‌ها و جنگلها پر از زباله! درختان کهنسال زیر تیغ اهره برقیها با مجوز تاراج زمین! شکار بیرحمانه حیوانات در حال انقراض! ساخت و ساز در حاشیه‌ها و کوهپایه‌ها و جنگلها و... بی تفاوتی به محیط زیست، مرگ طبیعت زمین را هشدار می‌دهد.

گفته می‌شود: استفاده عاقلانه و منطقی از منابع طبیعی در برنامه‌های توسعه‌ای و جلوگیری از تخریب و عدم استفاده غیرمسئولانه از این منابع می‌تواند مسؤلان را در دستیابی به اهداف توسعه از جنبه‌های گوناگون کمک کند. اما در این بین معضلی که جامعه بشری با آن دست و پنجه نرم می‌کند، تخریب و تجاوز به محیط زیست است که تهدیدی جدی برای حیات وحش و منابع طبیعی و در نتیجه حیات خود شهروندان به شمار می‌رود. در حالیکه پارک، سواحل دریا و رودخانه‌ها، جنگلها، حتی پیاده‌رو و فضاهای شهری کنونی، همه متعلق به همگان است و باید مردم مالک و تصمیم‌گیرنده ی آنها باشند، اما به بهانه توسعه و با اجرای انواع طرح‌های تجارتي، در واقع به حراج گذاشته می‌شوند. نبود منع قانونی برای اجرای هر سیاستی لزوماً نمی‌تواند توجیه قابل قبولی برای دست‌اندازی به حقوق شهروندی باشد.

افزایش نرخ بیماری سرطان رابطه مستقیم با آلودگی‌های زیست‌محیطی دارد. آمار سرطانهای گوارشی در گیلان بسیار بالاست و سرطان معده در این استان بالاترین رقم را در کشور دارد. برای نجات از آلودگی و نیستی، تنها یک راه در سراسر کشور و جهان وجود دارد و آن حفاظت از طبیعت به‌عنوان عنصر نجات‌بخش انسان و جهان است.

اما فاجعه‌های زیست‌محیطی دیگری سالهاست در استان گیلان در رابطه با دفن زباله‌ها، انقراض برخی گونه‌های حیات وحش و قطع درختان کهنسال وجود دارد.

زباله معضلی است که تا مصرف‌گرایی و سلطه سرمایه‌داری در جهان برقرار باشد، گویی چاره ندارد. به‌عنوان مثال مرکز دفن زباله سراوان در ۲۰ کیلومتری رشت در منطقه جنگلی سراوان، حدود ۳۰ سال پیش با قطع بخشی از درختان جنگل در وسعتی ۲۰ هکتاری که ۱۰ هکتار آن فضای مفید است، احداث شد. این بخش جنگل سراوان بزرگ‌ترین محل دفن زباله در میان ۲۱ مرکز زباله استان گیلان است. در گیلان روزانه بیش از ۲ هزار تن زباله تولید می‌شود که مرکز دفن

توجه و اقدامات اساسی، به برگزاری کنگره، جلسات بحث و گفتگوهای تکراری در رسانه‌ها اکتفا می‌شود. چرا چشم بر اصل قضیه می‌بندیم؟ نامگذاری این روزها و مناسبتها برای چیست؟ چه وقت می‌خواهیم از این خواب غفلت که نه! از کابوسهای هولناکی که در آنیم بیدار شویم؟ تا کی باید با کارشناسانی کسانی به-ظاهر صاحب اندیشه، نوسواد و مدعی توسعه و فرهنگ، زندگی کنیم و محیط زیست‌مان را به نابودی بکشانیم؟ این طبیعت زیبا از آن همه ماست، برخوردار برای برابر از وجود آن حق ما و نسل آینده این سرزمین و این مردم است.

اکنون در آستانه یک فاجعه بزرگ قرار داریم و اگر همین روال ادامه یابد، سرمایه‌های بزرگی را به بهانه توسعه سرمایه‌دارانه، از دست می‌دهیم، سرمایه‌های ما همین درختان راش و دشتهای آویشن، برفچال‌ها و تالابها و همه منابعی هستند که در طول این سالها به تاراج رفتند و ما نشستیم و تماشا کردیم! زنگهای خطر نابودی منابع طبیعی استان گیلان مدتهاست به صدا درآمده‌اند. اما حمایت از محیط زیست در حد شعار باقی مانده است.

□